



رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا از عقب ماندگی نظامی واشنگتن در برابر روسیه و چین سخن گفت

اعتراف زود هنگام آمریکا به شکست در نبردهای آتی

رئیس ستاد مشترک آمریکا با اعتراف به اینکه کشورش دیگر قدرت بی‌رقیب جهان نیست و در میدان‌های اروپایی و آسیایی بارها به چالش کشیده شده است، آینده را با عزم ابرقدرت‌ها به تغییر نظم جهانی، بی‌ثبات و مستعد نبردهای متفاوت میان قدرت‌های بزرگ پیش‌بینی کرد

رئیس جمهور ترکیه خواهان مقابله سوئد و فنلاند با مخالفان آنکارا شد

بازی اردوغان با کارت عضویت ناتو

در حالی که رایزنی‌ها درباره الحاق فنلاند و سوئد به ناتو ادامه دارد، رئیس جمهور ترکیه در مذاکراتی تلفنی با دبیرکل ناتو، ضمن ابراز مخالفت خود با این الحاق، اعلام کرد تا رسیدگی به نگرانی‌های این کشور در مورد گروه‌های مخالف دولت آنکارا که تحت حمایت آنها هستند، به درخواست‌ها برای پیوستن به ائتلاف جواب مثبتی نخواهد داد

بازیابی نقش فعال و مهم ایران در مناسبات بین‌المللی از سوی دولت سیزدهم

از گسترش همکاری اقتصادی با همسایگان تا افزایش صادرات به اتحادیه اروپا



President.ir

گزارش «ایران» از انگاره سازی رسانه‌های معاند و اصلاح طلب پیرامون تغییرات ساختار فرماندهی انتظامی کل کشور

سوءتفسیرها از یک تحول راهبردی

امیر فرشاد روزنامه نگار

وقتی خبر تغییر ساختار نیروی انتظامی به فرماندهی انتظامی توسط سخنگوی پلیس اعلام شد، موجی از واکنش‌ها، گمانه‌ها و تحلیل‌ها پیرامون این رخداد در رسانه‌ها به راه افتاد. رسانه‌های جریان انقلابی عمدتاً به باز نشر صرف این خبر پرداختند و کنش چندانی در تبدیل این خبر به یک روند خبری نداشتند؛ اما رسانه‌های جریان ضدانقلاب، این خبر را همراه با گمانه‌ها و تحلیل‌های متناسب با اهداف و برنامه‌های خود منعکس کردند. در حقیقت، این تصویرسازی اخیر را باید ذیل راهبرد کلان عملیات روانی این جریان علیه ساختار امنیتی کشور تحلیل کرد که امری مسبوق به سابقه است و در اینجا نیز به برخی انگاره‌سازی‌های سنتی ضدانقلاب علیه سیستم امنیتی کشور اشاره می‌شود؛ با این حال، برخی خطوط القایی این جریان، مستعدت و جدید بوده و مستقیماً ناظر به همین رخداد مذکور هستند. موضوع مقدماتی دیگر، معطوف به تحلیل محتوای رسانه‌های جریان اصلاح‌طلب و کشف دلالت‌های صریح و ضمنی رسانه‌های این جریان و انطباق آن با خروجی جریان ضدانقلاب است. به تعبیر دیگر، با یک تقاطع‌گیری میان تولیدات رسانه‌های این دو جریان پیرامون این خبر - که در ادامه ذکر خواهد گذشت - می‌توان تطابق خواسته یا ناخواسته خروجی محتوایی آنها با یکدیگر را تشخیص داد.

وینح محور عملیات روانی رسانه‌های معاند و اصلاح طلب
در این برساخت ادراکی، می‌توان به پنج گزاره القایی کلان و چند کلیدواژه اشاره کرد که جنبه محوری و بنیادی دارند و سایر خرده‌گزاره‌ها را باید ذیل آنها تحلیل کرد. پیش از آن بهتر است به منابع تولید دو جریان اصلاح‌طلب و ضدانقلاب اشاره شود. بی‌بی‌سی فارسی (وابسته به وزارت خارجه انگلستان)، شبکه ایران اینترنشنال و ایندپندنت و العربیه فارسی (وابسته به دربار سعودی)، دویچه‌وله فارسی (متعلق به وزارت خارجه آلمان)، رادیو فردا (وابسته به کنگره آمریکا)، کانال تلگرام وحیداتلین (پشتیبانی تلگرامی توئیتر ضدانقلاب)، سخام نیوز (متعلق به خانواده مهدی کروبی)، کانال تلگرام فردای بهتر (مصطفی تاج زاده) و کانال تلگرام عبدا... عبیدی (عبیدی مدیا) و روزنامه شرق و... و چند کانال و پایگاه خبری و حساب مجازی، مجموع منابع تولید رسمی و غیررسمی این تصویرسازی را تشکیل می‌دهند. اما چه تصویر یا تصاویری در این عملیات رسانه‌ای بازتابی می‌شود؟ کلان‌گزاره نخست که به طور پرترکاری در رسانه‌های جریان ضدانقلاب منعکس شد، تصویر «تقویت و توسعه سازمان سرکوب جمهوری اسلامی» بود. در ذیل این گزاره نیز خرده‌گزاره‌هایی بازتابی شدند که عمدتاً مربوط به تلاش جریان معاند برای زنده نگه داشتن خط اغتشاش به هر صورت و قیمت ممکن در برخی نواحی مرزی و مرکزی کشور بودند؛ موضوعی که در ادامه و در ذیل تحلیل اهداف، به آن پرداخته خواهد شد.

انگاره دوم که آن نیز مانند گزاره پیشین، هم از بسامد تکرار بالایی برخوردار بوده و هم یکی از برساخت‌های سنتی ضدانقلاب است، گزاره «موازی کاری نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی» است. این تصویر را در اغلب تولیدات رسانه‌های جریان معاند می‌شد مشاهده کرد که عمدتاً برحسب راهبرد نمایش اختلاف میان دو نهاد اطلاعاتی کشور یعنی سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات بازتابی می‌شد و این بازتاب مضموناً پس از انتشار خبر تجدید ساختار اطلاعات فرماندهی انتظامی کشور مجدداً مطرح شد. تصویر سوم، القای «تردید و تشکیک اعضای رده میانی پلیس در مشرعیت سازمانی و وظایف خود» است که به نظر می‌رسد تقریباً بعد از اغتشاشات دی ماه سال ۹۶ در دستور کار جریان معاند قرار گرفت. این روند عملیات روانی، پلیس را به عنوان سازمانی نشان می‌دهد که نیروهایش چندان به سازمان خود و اهدافش اعتماد و اعتقاد ندارند؛ منطقاً وقتی چنین تصویری از پلیس در ادراک مخاطب بازتابی می‌شود، مشروعیت و اقتدار آن در اذهان عمومی زودبه زود تضعیف می‌شود و آثار سوء ضدامنیتی آن نه در بلند مدت و میان مدت؛ بلکه در کوتاه مدت نمایان خواهد شد. گزاره چهارم که تلقین آن توسط طیف رادیکال اصلاح‌طلب و جریان فتنه صورت گرفت، معطوف به سناریوسازی‌های این جریان علیه ساختارهای حاکمیت و به طور خاص، بیت رهبری است. این جریان‌های اشتباهی عجیبی در القای انگاره‌هایی با موضوع «بسیارهری آیت‌الله خامنه‌ای» و ربط دادن هر رخدادی به این سناریو موهوم دارد و دنباله این خط را در موضوع تحول اخیر ساختار انتظامی کشور هم می‌توان دید. به عنوان نمونه می‌توان به پست تلگرامی عبدا... عبیدی که کاتالاش اشاره کرد که توسط سایر کانال‌های متناسب به شخصیت‌های بدسابقه اصلاح‌طلب باز نشر شد. نویسنده

در یادداشتش در توضیح چرایی این تحولات نوشته است: «دلیل این رخداد چه می‌تواند باشد؟ سناریوهای پشت پرده این تغییر، آیا مرتبط به تحولات پسارهری است؟ یا توجه به این اختیار فراقانونی آیت‌الله خامنه‌ای که سرکوب جمهوری اسلامی» می‌داند توجیه آن را اصل ۵۷ قانون اساسی می‌داند (ولایت مطلقه)، آیا وقت آن نرسیده تغییرات مهم آغاز شود و به جای جراحی بدن تب دار اقتصاد مردم، نظام حکمرانی جراحی و به نفع ملت اصلاح شود؟ جراحی که فقط جراح آن آیت‌الله خامنه‌ای است و پس از او متخصص پیوندی با اهدای اعضا به بالین این بیمار خواهد آمد؟ اینچنین انگاره‌ها، باز نمود تصویر «آشفته‌گی مدیریتی در کل کشور» است که توسط رسانه‌های معاند منعکس شد. بدین توضیح که در تحلیل‌های این رسانه‌ها، این تصمیم اخیر یعنی تغییر در ساختار فرماندهی انتظامی کشور، به عنوان محصول آشفته‌گی و بی‌برنامگی در نظام کلان مدیریت کشور به مخاطب تلقین می‌شود. این گزاره را لحاظی با گزاره نخست مرتبط است، به طوری که در آن، سعی تحلیلگران رسانه‌های ضدانقلاب از جمله محسن سازگارا - اصلاح‌طلب قدیمی و یار ارغز بهزاد نبوی - بر این است که کشور را در یک وضعیت بحرانی و آشفته نمایش بدهند که این آشفته‌گی به حوزه امنیتی و مهار معترضان نیز سرایت کرده و سردرگمی در برقراری امنیت منجر به ایجاد تغییرات بی‌حاصل و صوری در ساختار امنیتی کشور شده است.

تحلیل اهداف
تحولات اخیر در عرصه‌های مختلف کشور از جمله در حوزه‌های تقنینی، اجرایی و قضایی و شوق آنها مانند اصلاحات ساختاری اقتصاد کشور و نویدهای این تحولات، موضوعی است که رسانه‌های جریان معاند با انقلاب اسلامی را به تکلیف انداخته تا به هر ترتیب ممکن، از طریق سپاه نمایی و القای یأس و ناآرامی و نهایتاً، تبدیل عملیات روانی به عملیات میدانی، این اصلاحات بنیادی یا محقق نشوند یا به هر صورت، به نحو شایسته‌ای در ادراک عمومی بازتاب نداشته باشند. اینجاست که القای گزاره نخست پیرامون تغییر ساختار انتظامی کشور یعنی «تقویت و توسعه سازمان سرکوب جمهوری اسلامی» موضوعی می‌یابد. رسانه‌های معاند، با تلقین انگاره مذکور و اعتمادزدایی از رابطه ملت و حاکمیت، سعی در تقابل‌سازی میان مردم و جمهوری اسلامی دارند. نمایش تصویر یک ساختار امنیتی ضعیف و چندقطبی که متشکل از چند نهاد موازی و ناهماهنگ است

نمایش تصویر یک ساختار امنیتی ضعیف و چندقطبی که متشکل از چند نهاد موازی و ناهماهنگ است در ادراک عمومی، دیگر هدف راهبردی و سنتی رسانه‌های ضدانقلاب و دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی است. پرسش این است که بازتابی همین تصویر (موازی کاری نهادهای اطلاعاتی) توسط رسانه‌های اصلاح طلب چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟

پاسخی به پرسش‌های فوق، مستلزم پژوهشی جریان‌شناختی است که مقتضی است مستقلاً و مفصلاً مورد بررسی و بازخوانی قرار بگیرد. در اینجا اما به نحو اجمالی و بسیار مختصر به برخی نقاط اتفاق و افتراق این دو جریان و دلایل آن اشاره می‌شود. پیش از آن باید متذکر شد که صحبت کردن از «جریان ضدانقلاب» به مثابه یک جریان واحد، چندان دقیق نیست و بهتر است از جریان‌های متعدد معاند با انقلاب اسلامی نام برد؛ چراکه اگر به نحو دقیق ماهیت گروه‌های ضدانقلاب را بررسی کنیم، تقریباً در مورد جریان اصلاحات نیز صادق است. اینجا به اعتبار نسبت تقابلی‌ای که این جریان‌ها با انقلاب اسلامی دارند، تمام آنها را ذیل عنوان «ضدانقلاب» جمع و تحلیل می‌کنیم. این امر تقریباً در مورد جریان اصلاحات نیز صادق است. نکته دیگر اینکه طیف‌هایی از جریان معاند مانند جریان موسوم به روشنفکری دینی، از فضای اصلاح‌طلبی و گفتمان دوم خرداد برخاستند و از جهاتی هنوز آن گفتمان را نمایندگی می‌کنند. این طیف‌ها با انقلاب اسلامی تقاطع می‌کنند. اصلاح‌طلبان انقلاب اصلی پیشران و پیش برنده و جریان ضدانقلاب، به عنوان نیروهای تابع ایشان بودند. علت الحلقه تمام این هماهنگی‌های عملی و رسانه‌ای اما یک چیز است و آن قدرت‌طلبی و دست و پا زدن برای باقی ماندن در بدنه قدرت است و متفاوت است. نخست، از حیث وحدت سرزمینی و تجزیه ایران، جریان‌های معاند سلطنت طلب و همسویی آن با القاتل‌های معاند بهتر است به تقاطع‌های گفتمانی، هماهنگی‌های مفرقی نامقرر این دو جریان و نیز نقاط افتراق آنها پرداخت.

در حالی است که لاقبل به لحاظ نظری و گفتمانی، جریان اصلاح‌طلب با تجزیه ایران مخالف است. تمایز دوم به تعارض گفتمانی جریان دوم خرداد با فرقه‌های ضد دینی مانند بهائیت بازمی‌گردد؛ هرچند این تضاد در مواردی توسط افرادی همچون فائزه شامی نقض شده است. تعارض و تمایز سوم معطوف به محکومیت عملکرد اسرائیل در کشتار و نسل‌کشی از فلسطینیان است که با جریان ضدانقلاب در تعارض است. این تعارضات گفتمانی در حالی ذکر شدند که به لحاظ عملی، نقاط اتصال و هماهنگی بسیاری می‌توان میان عملکرد جریان اصلاح‌طلب با گروه‌های ضدانقلاب تشخیص داد. اقدامات قابل توجهی در در دایره قدرت نبودند - به کشور و هزین‌های غیرقابل جبران که احزاب اصلاح طلب - چه در زمانی که در قدرت بودند و چه در زمانی که در دایره قدرت نبودند - به کشور و منافع ملی تحمیل کردند، از جهاتی به هیچ وجه قابل قیاس با شارت ضدانقلاب نیست. به عنوان نمونه، فقط می‌توان به دو رخداد ضدامنیتی خطرناک طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ اشاره کرد که در هر دو مورد، اصلاح‌طلبان انقلاب اصلی پیشران و پیش برنده و جریان ضدانقلاب، به عنوان نیروهای تابع ایشان بودند. علت الحلقه تمام این هماهنگی‌های عملی و رسانه‌ای اما یک چیز است و آن قدرت‌طلبی و دست و پا زدن برای باقی ماندن در بدنه قدرت است و متفاوت است. نخست، از حیث وحدت سرزمینی و تجزیه ایران، جریان‌های معاند سلطنت طلب و همسویی آن با القاتل‌های معاند بهتر است به تقاطع‌های گفتمانی، هماهنگی‌های مفرقی نامقرر این دو جریان و نیز نقاط افتراق آنها پرداخت.

ایران